نیاز به آموزش و تمرین راهنمایی و مشاوره برای معلمان

سوزانا وای چینگ LAI-یونگ \*

دانشگاه آزاد هنگ کنگ، هنگ کنگ.

**چکیده:**

امروزه، معلمان نقش های متعدد برای انجام دادن دارند. برای انجام نقش خود به صورت حرفه ای، معلمان باید در مسئولیت های خود نسبت به دانش آموزان در داخل و خارج از کلاس درس، صلاحیت داشته باشند. یک نقش مهم معلم در داخل و خارج از کلاس درس ارائه مشاوره و راهنمایی به دانش آموزان است. این مقاله دو هدف، دارد. اول، به بحث در مورد اهمیت آموزش و راهنمایی مشاوره برای معلمان، می پردازد.

هدف دوم این مقاله، بررسی آموزش و راهنمایی مشاوره ای مورد نیاز برای معلمان از دانش آموزان است که با در نظر گرفتن راهنمایی های نوآورانه و جزء مشاوره قبل از برنامه های آماده سازی معلم در مقطع کارشناسی، انجام می گیرد. این مولفه ی دوره ای با چهار گروه های مطالعات زبان انگلیسی و آموزش زبان انگلیسی امتحان شده است و همچنین با دانش آموزان افتخاری درجه دو، آزمایش شده است. با استفاده از تجزیه و تحلیل کیفی پاسخ های دانش آموزان در فعالیت های بازتابی شخصیدر آخرین همگروهی، مطالعه حال حاضر نشان داد که دانش آموزان دارای نیازهای آموزشیو نقاط قوت درک ومسائل مانعی مختلفی دارند که این مسئله در ارتباط با انجام نقش مشاوره و راهنمایی در مدرسه می باشد. این مقاله بابحث و پژوهش در جهت آموزش معلمان آینده، به پایان می رسد.

© 2013 نویسنده. منتشر شده توسط الزویر و ویبولیتین آموزشی

انتخاب و بررسی تحت مسئولیت مشاوره شناختی ، خدمات تحقیق و کنفرانس (C-CRCS).

کلمات کلیدی: راهنمایی و مشاوره، نیازهای آموزشی؛ برنامه آموزش معلم. دوره کارشناسی

1. مقدمه

به غیر از موضوع آموزش ، به معلمان بسیاری از مسئولیت های امروزه واگذار شده است. ارشاد و مشاوره برخی از وظایف اصلی آنهاست. در ادبیات راهنمایی و مشاوره ، این دو واژه به طور کلی دارای معانی متفاوتی هستند. موضوع قبلی به کمک برای توسعه کل شخصیت دانش آموزان تأکید دارد، در حالی که دومی غالبا کمک به دانش آموزان مشکل دار را هدف قرار می دهد. به عبارت دیگر، کار راهنمایی پیشگیرانه است و

رشد، به طور طبیعی وجود دارددر حالی که مشاوره بیشتر از اینکه امری حمایتی باشد، کاری درمانی است. با ملاحظه بر روند جهانی به نظر می رسد از کارهای موردی و روش درمانی به یک رویکرد توسعه پیشگیرانه برای ارائه ی راهنمایی و مشاوره منتقل شده است. (Gysbers و هندرسون، 1994؛ یوئن، 2002).

در هنگ کنگ، کار هدایت و مشاوره در مدارس تحت تأثیر بسیاری از تغییرات قرار گرفته است. درمسیر روند جهانی، در هنگ کنگ یک رویکرد پیشگیرانه برای رهنمود از سال 1986 (وزارت آموزش و پرورش هنگ کنگ، 2001) به تصویب رسید. در راهنمای "کار ارشاد در مدارس متوسطه - راهنمای پیشنهادی برای مدیران و معلمان" رسمی، وزارت آموزش و پرورش هنگ کنگ، دستورالعملی برای معلمان راهنمایی که کارکنان تمام وقت آموزش و پرورش هستند، ارائه شده است و راهنمایی هایی برای دانش آموزان در مدرسه علاوه بر وظایف آموزشی آنها فراهم شده است. در این سند همچنین بر ​​اهمیت یک روش همکاری کار تیمی، برای فراهم آوردن راهنمایی های دانش آموزی بحث شده است. این زمینه برای یک روش کلی راهنمایی در مدرسه ، که در 1990s با توصیه ی گزارش کمیسیون آموزش و پرورش NO.4 (کمیسیون آموزش و پرورش هنگ کنگ، 1990) به اجرا گذاشته شد. این رویکرد با مشارکت همه ی کارکنان مدرسه برای ایجاد یک محیط مراقبتی و دعوت از دانش آموزان برای رشد و تحقق بخشیدن به پتانسیل های خود که برای توسعه کل شخصیت فرد است (کمیسیون آموزش و پرورش هنگ کنگ، 1990). روش کلی مدرسه که در ادامه توضیح داده خواهد شد و طریق دستورالعمل های پس از آن و منابع ارائه شده توسط دولت ترویج داده می شود.(وزارت هنگ کنگ آموزش و پرورش، 1991، 1993، 1995، 1996، 2001).

در سال 2002، دولت رویکرد کلی مدرسه برای تشویق به خدمات رهنمودی جامع دانش آموزی را گسترده تر کرده است و به عنوان بخشی جدایی ناپذیر آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است. این مسئله به این معنی است که مدارس مجبورند که زیر سیستم های مختلف خود را ادغام کنند و تمام کارکنان نیاز به کار مشارکتی در مدارس و با پدر و مادر و جامعه بزرگ تر دارند که این امر برای کمک به دانش آموزان به منظور دستیابی به توسعه ی همه جانبه و عمر طولانی آموزش، می باشد (اداره آموزش و پرورش هنگ کنگ، 2012).

دولت وارد عمل شده است تا منابع خدماتی رهنمود جامع دانش آموزان را در سال های اخیر، ترویج کند و گسترش ببخشد. این شامل بهبود رهنمودهای پرسنل در مدارس ابتدایی است که از سال 2006شروع شده و ارائه خدمات بالارتبه ی راهنمایی دانش آموز به مدارس ابتدایی از سال 2012 به بعد انجام گرفت. (وزارت آموزش و پرورش هنگ کنگ، 2012).

از آنجا که همه معلمان در رهنمود دانش آموزان و مشاوره در مدرسه با درجات مختلفی درگیر هستند، یک نیاز قطعی و مهم برای آموزش و راهنمایی مشاوره برای همه معلمان وجود دارد. برخی از معلمان راهنما در واقع خواستار آموزش برای همه معلمان هستند. آنها حتی در این فکر هستند که آن یک "نیاز اساسی یک معلم" است.(یوئن، 2002، p.175). با این حال، یک جستجو در متون در مورد نیازهای آموزشی معلمان در راهنمایی و مشاوره، کمبود پژوهشها را در این موضوع نشان داد. اکثر مطالعات بر روی موضوعات محیطی تمرکز کرده اند مانند شرایط و نحوه آموزش برای رهنمود پرسنل (مک کارتی، 2001)، و یا نیازهای آموزشی حرفه ای برای رهنمود پرسنل (پاتون و بارتون، 1997؛ پاتن، 2000).

در برابر این پیش زمینه، مطالعه حاضر به دنبال بررسی سوالات زیر می باشد:

* آیا معلمان متوجه نیاز به آموزش در انجام مسئولیت رهنمودی و مشاوره ای در مدرسه هستند؟
* اگر آنها این نیاز را درک کرده اند ، نیازهای آموزشی آنها به طور خاص چه مواردی هستند؟
* آیا آنها هر گونه مسائل شخصی را درک کرده اند که ممکن است درنقش رهنمودی و مشاوره ای مانع باشد؟
* آیا آنها هر گونه نقاط قوت شخصی و یا منابعی که که ممکن است نقش راهنمایی و مشاوره آنها را تسهیل، درک کرده اند؟

2. روش ها و یافته ها

2.1 سابقه و هدف مطالعه

مشاوره و راهنمایی جزء نوآورانه برای معلمان مدرسه در مطالعات زبان انگلیسی در مقطع کارشناسی بوده و آموزش زبان انگلیسی برنامه تحصیلی افتخاری در هر دوی دانشگاه آزاد ارائه شده است و توسط آموزش و پرورش هنگ کنگ، زبان ها در مدرسه یک دوره هسته ای اجباری به صورت حرفه ای گنجانده شد.

این هدفزبان آموزان مختصری از نظریه ها و مسائل مربوط به رهنمود دانش آموزان و مشاوره، به ویژه در هنگ کنگ را معرفی کرده است. این اجزابا چهار گروه از معرفی دانش آموزان تعیین گردیده اند. دانشجویانی که در این دوره ثبت نام کردند معلمان قبل از خدمت در سال آخر تحصیل خود بودند.

2.2 روش

پژوهش حاضر در آخرین سخنرانی در سال تحصیلی 2012/13 انجام شد. سی و یک دانش آموزدر اینپژوهش شرکت کردند. - همه دانشجویان چینی 25-21 ساله بودند با میانگین سنی 22.8 بودند. در این نمونه، 64.5٪ از این دانشجویان، زن بودند. این دانش آموزان فعالیت های منعکس کننده ی شخصیت را در آغاز این دوره به پایان رساندند. از آنها خواسته شد تا دیدگاه های خود را نسبت به سه سوال که در مورد نیازهای آموزشی از آنها خواسته شده بود، پاسخ دهند. مسائل مانعی و تسهیل نقاط قوت شخصی و یا منابع که را در رابطه با انجام نقشِ رهنمودی و مشاوره ای در مدرسه، بودند.روش های(Boyatzis "(1998 و Graneheim و Lundaman 2004 پیگیرِ

انجام تجزیه و تحلیل کیفی پاسخ های دانش آموزان شدند. نویسنده و یک رمزگذار دوم که آشنا به تجزیه و تحلیلِ نظریه های مشاوره ای بودند، به طور مستقلِ، داده ها را به طور کامل خواندند. سپس، هر کدام تلاش کردند که مجموعه ها و زیر مجموعه های ممکن برای داده ها را استنتاج کنند، که از بحث های تصمیم گیری در طبقات و خرده طبقات و نمونه پاسخ ها برای تجزیه و تحلیل داده ها پیروی می کند. دو موضوع مشاهده شد اول اصول مورد توافق برای دو طرف بود و همچنین عدم پاسخ دهی دانش آموز که باید کد شود. سپس نویسنده و کدگذار دوم به طور مستقل، پاسخ های دانش آموزان و نتایج مقایسه را طبقه بندی کردند. پس از آن تنظیماتِ لازم کدگذاری انجام شد. این مراحل تکرار شد تا زمانیکه هر دو روی کدگذاری پاسخ ها توافق کنند که قابلیت اطمینان پرسشگران داخلی را حس کنند.

2.3 نتایج

این تجزیه و تحلیلها،10 دسته بندی مختلف برای نیازهای آموزشی را تولید کرد. 7 دسته بندی برای مسائلِ جلوگیری و 6 موضوع برای قدرت شخصی یا منابع در نظر گرفته شد که می تواند راهنمایی ها و مشاوره های آنها را تسهیل کند.

2.3.1 نیازهای آموزشی

تمام شرکت کنندگان این مسئله را در نظر گرفتند که نیاز به آموزش وجود دارد. تعداد نیازهای آموزشی، توسط هر شرکت کننده با عددی بین 1تا9 مشخص شد. عدد میانگین نیازهای آموزشی برابر 3.9 شد. 27 نفر از دانش آموزان (87.1%) 1 تا 5 نیاز آموزشی را ذکر کردند. از لحاظ نیازهای طبیعی آنها موارد زیر را مشاهده کردندنیاز به آموزش شرکت کنندگان در مهارت های ارتباطی، مهارت های مشاوره ای، مهارت در حالت هایی لمسی، مهارت های فردی، دانش مربوط به راهنمایی و مشاوره و راه های مقابله با مسائل به عنوان مهم ترین موارد ذکر شدند (جدول 1). در اینجا برخی از نمونه ها عبارتند از:

مهارتهای ارتباطی:

"مهارت های ارتباط با دانش آموزان مختلف (دانش آموزان مختلف با پس زمینه های مختلف.)" (عدد موضوع 4)

مهارت های مشاوره ای

"استراتژی هایی برای پاسخ به دانش آموزان به صورتی که آنها را دلسرد نکند و باعث تحریک احساسات دانش آموزان شوند."

(تعداد موضوع 1)

مهارت در حالات ها لمسی

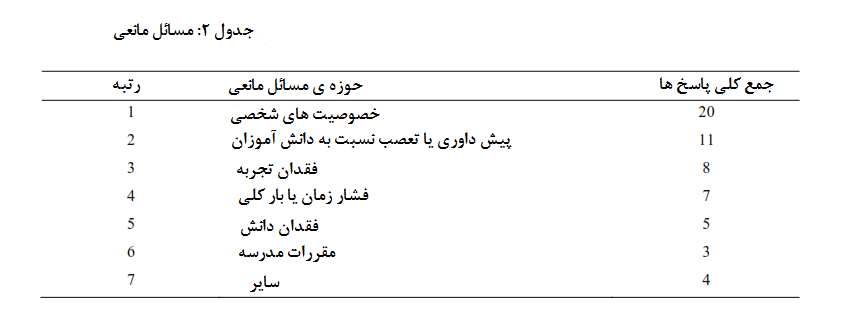
"برای آشنایی با نحوه عمل حرفه ای برای مقابله با مشکلات دانش آموزان." (عدد موضوع 9)

"چگونگی مقابله با انواع مشکلات، به عنوان مثال مشکلات خانوادگی، مشکلات شخصی. "(عدد موضوع 20)

فشار حجم کار و یا زمان

"زمان یک مشکل بزرگ برای من است، اگر وقتم خیلی مشغول باشد، زمان زیادی برای استفاده ندارم"(عدد موضوع 7)

"بار کار سنگین به این معنی است که زمان کافی برای صحبت با دانش آموزان وجود ندارد." (عدد موضوع 8)



2.3.3 تسهیلات نقاط قوت شخصی و یا منابع

از لحاظ نقاط قوت شخصی و یا منابعی که دانش آموزان درک کرده اند که می توانند مشاوره ها و راهنمایی های خود را تسهیل کنند. 28 دانش آموز(90.3%) توانستند 1 تا 3 دسته از عوامل را نام ببرند. در میان این دسته بندی تسهیلات،کار در مدرسه، ویژگی های شخصی دانش آموزان، شبکه های اجتماعی، مهارت ها توانایی ها و تجربیات کاری آنها، به طور غالب، مورد اشاره قرار گرفت.(جدول 3 را ببینید) برخی از نمونه های پاسخ آنها به شرح زیر است:

ویژگی های شخصی

"من شنونده هستم و من شنونده هستم. من به حریم خصوصی دیگران احترام می گذارم."(عدد موضوع 5)

"من، خودم یک فرد خوشبین هستم و امیدوارم که بتوانم افراد مورد تحت مشاوره ی خود را راهنمایی کنم تا بتوانند زمانی که من با آنها صحبت می کنم، مثبت تر فکر کنند."(عدد موضوع 11)

شبکه های اجتماعی

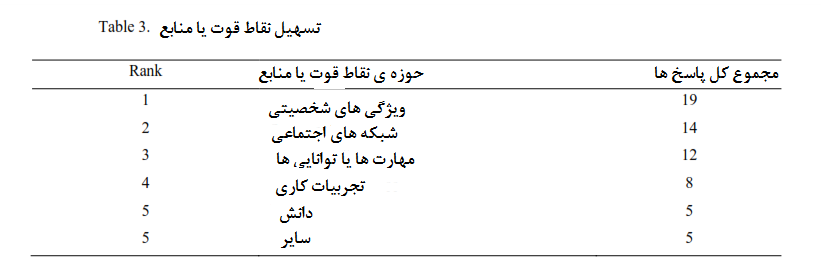
"من یک شبکه ی گسترده ی اجتماعی دارم، که این شبکه، گرفتن منابع مختلف اطلاعاتی از دوستان مرا ساده می کند."(عدد موضوع 14)

مهارتها و توانایی ها

"مهارت:مهارتهای ارتباطی خوب، مرا قادر می سازد که به سادگی با دانش آموزان صحبت کنم و کاری کنم که آنها درک کنند."(عدد موضوع 13)

تجربه ی کاری

"من از زمانی که 17 سالم بود، یک کار پاره وقت داشتم.من افراد بسیاری را ملاقات کردم و از داستان های آنها، موارد بسیار زیادی را آموختم."(عدد موضوع 20)



3. بحث و نتیجه گیری

3.1 مفاهیم آموزشی

پاسخ دهندگان به اتفاق آرا نشان دادند که نیاز روشنی برای آموزش هست. نیازهای آموزشی آنها نه تنها شامل دانش و مهارت مربوط به راهنمایی و مشاوره است بلکه شامل مهارت های زندگی هم می شود. آنها خواستار آموزش در مهارتهای ارتباطی بودند و همچنین خواستار مهارتهای فردی و راههای مقابله با مسائل بودند. این اطلاعات مهم است زیرا اگر برنامه های آموزشی یک تجربه ی رضایت بخش شود، محتوای آموزشی باید با نیازهای کارآموزان هماهنگ باشد. دای(2002) استدلال کرد که برنامه های پیشرفتی معلمان که با نیازهای آنها مطابقت ندارد، بعید است که باعث تحریک انگیزه ی آنها شود.

در (2000) مصاحبه ی عمیق قانونی با معلمان در مورد دیدگاه های آنها نسبت به آموزش راهنمایی، پنج نفر از هشت مصاحبه شونده، نظرات منفی در مورد دوره های آموزشی برگزار شده توسط دولت داشتند. آنها از آموزش انتقاد کردند که آن خیلی کلی است و تنها راهنمای اساسی دانش است و علاقه های آنها را بیدار نمی کند. علاوه بر نیازهای آموزشی، نتایج به دست آمده از این مطالعه همچنین محدوده های مختلف را نشان داد و مسائلی که برای شرکت کنندگان در نظر گرفته شده و می تواند مانع کار مشاوره و راهنمایی آنها شود. این مسئله باید مورد توجه در طراحی برنامه های آموزشی شود به طوری که اثرات این گونه موانع را می توان به حداقل رساند. به عنوان مثال، برنامه های آموزشی می تواند شامل تجربه، تمرین بازتابی و بحث کلاسی برای آموزش برای بررسی و کار بر روی مسائل مربوط به ویژگی های شخصی و پیشداوری که موانع بیشتری را در نظر می گیرند. این استراتژی در برخی ادبیاتها حمایت هایی را پیدا کرده اند. یک نموه ی این چنینی می تواند در کار هپنر و اوبراین(1994) دیده شود. در ارزیابی یک دوره ی مشاوره ای چند فرهنگی، آنها دریافتند که

افزایش آگاهی و مبادلات بین فردی در کلاس برای تغییر تسهیلات بیشتر مفید بود.

همچنین باید به این نکته توجه داشت که پاسخ دهندگان در مطالعه ی حاضر، چندین نقاط قوت شخصی و منابع ادراک شده را نیز مشخص کردند. آنها باید هنگام طراحی های برنامه های آموزشی مورد توجه قرار گیرد.که به منظور ایجاد انگیزه برای شرکت کنندگان در فرآیند آموزش است.

3.2 محدودیت ها

مطالعه ی حاضر، محدودیت هایی دارد.اولاً آن یک نمونه ی کوچکی از دانشجویان دوره ی کارشناسی قبل از خدمت معلمی است. نتایج به دست آمده نباید برای جوامع دیگ، تولید شود برای

مثال معلمان در حال خدمت و معلمان در حال تحصیل در کارشناسی ارشد آموزش و پرورش.

همانطور که FOK و چان و سین و یونگ(2005) پیشنهاد کرده اند، معلمان در مراحل مختلف توسعه ی حرفه ای و یا با شایستگی های مختلف ممکن است، نیازهای آموزشی مختلفی داشته باشند. دوماً این مطالعه، یک مطالعه ی کیفی طبیعی بود. هر چند هر احتیاطی برای اطمینان از قابلیت اطمینان و دقت برنامه نویسی داده ها مورد استفاده قرار گرفت.نویسنده ماهیت تفسیری تمام تجزیه و تحلیل ها را به رسمیت می شناسد.

3.3 نتیجه گیری و توصیه ها

مطالعه حاضر، اطلاعات مفید به منظور غنی سازی ادبیات در راهنمایی و نیازهای آموزشی مشاوره برای معلمان ارمغان آورده است. آن موضوعات و مسائل را برای در نظر گرفتن طراحی برنامه های آموزشی معلم و یا برنامه های آموزش و پرورش را روشن و واضح می کند. روشهای آموزشی که تجربی، انعکاسی و تعاملی هستند، توصیه می شود که با نیازهای آموزشی معلمان مطابقت کنند و باعث افزایش انگیزه و علاقه به کار در کارآموزان شوند. تحقیقات بیشتر با استفاده از نمونه ی بزرگتری از معلمان با پیش زمینه های مختلف به منظور بررسی نیازهای آموزشی در مشاوره و راهنمایی ها نیز توصیه می شود.پژوهش های نیز می تواند نیازهای آموزشی به ممنظور بررسی نقش های مختلف و تجربیات در هدایت و مشاوره و سطح شایستگی خود، باشد. یکی دیگر از خطوط کاری پژوهش حاضر، آزمایش اثربخشی برنامه های آموزشی مختلف و ارتباط آنها با نیازهای آموزشی شرکت کنندگان است.

تشکر و قدر دانی

نویسنده از خانم هنریتا یان یو برای خدمات ایشان به عنوان یک رمزگذار دوم در تجزیه و تحلیل کیفی تشکر می کند. هدایای او در خواندن اطلاعات خوب داده ها و نظرات سازنده ی ایشان بسیار استقبال شده است.آیندهننیزنی